

شماره ی ۲۳
سه شنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۶



کلمات

نشریه ی مستندهای تلویزیونی

نگاهی به مستند

«آزادی»



وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان را که آیات
ما را دروغ انگاشتند،
از راهی که خود
نمی‌دانند به تدریج
خوارشان می‌سازیم.

قرآن کریم، سوره الأعراف
آیه ۱۸۲



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۲۳، سه‌شنبه، ۱۴ آذرماه ۱۳۹۶



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ ۸۸۷۸۳۶۵۰، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





مستندساز اجتماعی! این عنوانیه که بعضی مستندسازها رو باهاش می‌شناسن. آدم‌هایی که لایه لایه دردهای اجتماع رو کنار می‌زنن و خرد شدن انسان‌ها زیر بار آشفتگی‌ها و نامهربونی‌های جامعه رو به تصویر می‌کشن. مثلاً رضا فرهمند سال‌ها در مورد معضلات اجتماعی فیلم ساخت. در مورد مشکلات زنان، در مورد کودکان کار، در مورد بازماندگان جنگ و تو تمام این سال‌ها به علت‌ها پرداخت. چی می‌شه که آدم‌ها تغییر می‌کنن؟ چی میشه که آدم‌ها از جامعه فاصله می‌گیرن؟ چی میشه که آدم‌ها آسیب می‌بینن؟

خب طبیعیه که وقتی تصمیم بگیره در مورد محیط زیست فیلم بسازه هم، فیلمش با مستندهای معمولی فرق کنه. حالا اون به یه سوال پاسخ داده: چی باعث میشه که ما آدم‌ها با طبیعت نامهربون بشیم؟! یه مستند اجتماعی در مورد یه بحران اخلاقی... .



قصه کشتار مرغان مهاجر

رضا فرهمند در مستند «آزادی» کشتار و شکار بی رویه پرندگان در فریدونکنار و عوامل تاثیرگذار بر آن را بررسی می‌کند. به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، رضا فرهمند کارگردان مستند «آزادی» درباره این مستند عنوان کرد: من فیلم‌ساز حوزه طبیعت نیستم، ولی مستند «آزادی» را که موضوعی مربوط به طبیعت و محیط زیست دارد؛ با پیشنهاد خانه مستند انقلاب اسلامی، کارگردانی کردم. بعد از پژوهش‌هایی که انجام شد دو سوژه را انتخاب کردیم که از دل آن‌ها مستندهای «قربانی» و «آزادی» تولید شدند. «آزادی» با موضوع کشتار پرنده‌ها در فریدونکنار تولید شد.



رضا فرهمند

نویسنده:

سهیل محمودی



کارگردان مستند «آزادی» تشریح

کرد: وقتی وارد فریدون‌کنار شدیم

با صحنه‌هایی مواجه شدیم که مشابه هیچ یک از کارهایی که در این حوزه دیده بودیم، نبود. خانواده‌ای را ملاقات کردیم به نام آزادی، این خانواده مثلی را تشکیل می‌دادند که تقریباً شبیه یک مافیا بود؛ یک نفرشکار می‌کرد، یک نفر به عنوان محیط بان از این که اتفاقی برای این دامگاه نیفتد مراقبت می‌کرد، و یک نفر هم مسئول فروش بود، عمو، پدر و پسر!

وی افزود: سازمان‌های مردم نهاد یا اصطلاحاً NGO ها هم که به نظر می‌رسد باید در مقابله با این پدیده جدی باشند در برخورد خود چندان جدیتی نداشتند. البته این اعتقاد وجود داشت که کاری از دستشان برنمی‌آید. افرادی هم داوطلبانه فعالیت‌هایی در حوزه جلوگیری از کشتار پرندگان انجام می‌دادند. این سه دسته یعنی خانواده آزادی، NGO ها و افراد داوطلب،

مستند «آزادی» را تشکیل داده‌اند.

در آخر فرهمند توضیح داد: «آزادی» محل برخورد واکنش‌های مختلفی است. برخورد اجتماعی مردم با این پدیده بررسی می‌شود. نقش سازمان محیط زیست در جلوگیری با عدم جلوگیری از این کشتار در این مستند نقش ویژه‌ای دارد. شکارچی‌ها هم بخشی از قصه کشتار پرندگان را می‌سازند. همه این واکنش‌ها و تاثیرگذاری‌هاست که «آزادی» را می‌سازد. «آزادی» مستند مخفیانه‌ای نیست و هیچگاه در آن از تکنیک‌هایی مثل دوربین مخفی استفاده نشده است و سوژه‌ها در کمال صداقت جلوی دوربین رفته‌اند.

مستند «آزادی» به کارگردانی رضا فرهمند در خانه مستند انقلاب اسلامی تولید شده است و با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ سیزدهم آذر ساعت ۱۹:۳۰ در قالب برنامه تلویزیونی جشنواره مستند به روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.



پوستر فیلم مستند «آزادی»



سفری به دنیای ناشناخته و مهنوعه در مازندران!

تحلیلی بر مستند «آزادی» رضا فرهنگند - کمبل سهیلی
نویسنده: رحیم ناظریان

که در پایان راه منتظر اوست. «آزادی» مستندی است در جغرافیای مازندران، اما انگار محیطی که فیلمساز به آن ورود می‌کند تا اثرش را بسازد، همچون تمامی الگوهای داستانی و اساطیری (کهن الگو-archetype) و الگویی که «جوزف کمبل» طرح می‌کند مکانی است خارج از مرزهای شناخته شده‌ی زندگی. انگار به تعبیر جوزف کمبل، قهرمان در مستند

مستند «آزادی» فیلمی است درباره سفر به جهانی ناشناخته، عجیب و مرموز است! چیزی شبیه به روایت «قصه‌های پریان» و آن چیزی که از «سفر قهرمان» در کهن الگوهای اساطیری، پیش‌تر دیده‌ایم. آنجایی که قهرمان قصه، پادرسیر سفر به جهانی ناشناخته و خطرناک می‌گذارد و در این راه تمام چشمش بر هدفی است



«آزادی» - یعنی دوربین فیلمبرداری - از همان آغاز، وارد شکم نهنگ می‌شود تا دگردیسی قهرمان شروع شود و او مبارزه‌اش برای رسیدن به هدف و طی کردن راه دراز و پرپیچ و خم را آغاز کند. جغرافیایی که در مستند «آزادی» نشان داده می‌شود بی شباهت به سرزمین‌هایی که در الگوهای اساطیری توصیف می‌شود نیست. فریدون کنارا! جایی که در آن کشتار پرنده‌گان مهاجر به صورت میلیونی، امری عادی است و کسی یارای نزدیک شدن به این جغرافیا را ندارد. عوامل تولید این مستند به آب و آتش می‌زند؛ ترفندهایی را برای رسیدن به تالابی که قتلگاه پرنده‌گان مهاجر است امتحان می‌کنند و نهایتاً در صحنه‌ای درخشان، چند نفر قصد بیرون راندن آنها از تالاب را دارند و مجادله‌ای شدید شکل می‌گیرد.

مستند بلند «آزادی» توصیف بحرانی عظیم و جهانی، به وسعت شهری کوچک در شمال ایران است. بحرانی که پیش‌تر، در قبال سکوت مسئولین ایرانی، متعاقباً اراده‌ای جهانی را نیز برانگیخته بود تا با آن مقابله کند. ماجرایی فیلم به

یک نسل‌کشی خاموش می‌ماند که از قبل آن عده‌ای شکمشان را سیر می‌کنند و عده‌ای دیگر برای پیشگیری از آن، جان را مایه می‌گذارند. فیلم روایت مهمانانی است که پس از طی هزاران کیلومتر، خود، به شکل آذوقه‌ای لذیذ بر سفره‌ها می‌نشینند. فضای فیلم، فضایی ناامیدکننده برای مبارزه با این آفت زیست محیطی است. فیلم درباره شکار پرنده‌های نایاب، کمیاب و روبه انقراض مهاجری است که از کشورهای مختلف، به فریدون کنار مازندران می‌آیند.

در همان سکانس‌های آغازین، کاراکتری در فیلم معرفی می‌شود که همواره در طول اثر به صورت مخدوش نشان می‌دهند. هم صدا و هم تصویرش با امکانات کامپیوتری تغییر کرده است و دلیل این امر، یقیناً وخامت اوضاع تالاب است چرا که این شخص بومی نمی‌خواهد و یا اصلاً نمی‌تواند انتقاداتش درباره کشتار پرنده‌گان مهاجر را طرح کند و ممکن است زندگی‌اش از این شفاف‌سازی به خطر بیفتد؛ لذا این مرد به صورت ناشناس در فیلم در برخی پلان‌ها حضور دارد. اما نقطه درخشان،



ناشناس با تصویر و صدایی مخدوش در همان ابتدای مستند به عوامل تولید، نقشه‌ی راه می‌دهد و به آنها می‌گوید که چه راه خطرناکی در پیش گرفته‌اند و در ادامه چگونه و با چه پوشش و با چه شکل رفتاری باید به تالاب پا بگذارد تا شکارچیان، کاری به کارشان نداشته باشند. این فرد ناشناس در قالب راهنما تا پایان سفرِ دوربین، در مستند «آزادی» حضور دارد و همچنان بر پنهان نگه داشتنش تاکید می‌شود. بیشتر زمان روایی فیلم به گفتگو و تجسس در زندگی و اعمال شکارچیان،

نوع استفاده ساختاری از اوست. او بخشی از روایتِ مستندِ «آزادی» را شکل می‌دهد و همه آن چیزی که به زبانی دیگر تاکنون بیان شد، توسط او به شکلی کاملاً عریان و شفاف طرح می‌گردد. مسئله‌ی بسیار قابل تامل، چگونگی ورود او به جریان روایت است. انگار طبق همان تئوری «کهن الگو» و آنچه «کمبل» به ما آموخت، همین مرد ناشناس در هیئت mentor به مستند ورود می‌کند. «استاد» یا منتور همان کسی است که در ابتدای راه، همه‌ی آموزش‌ها را به قهرمان می‌دهد و راهنمایی‌اش می‌کند. این مرد

دام‌گذاران، صاحبان تور هوایی و کرس (دام زمینی) اختصاص دارد. نقطه قوت فیلم همین رویکرد مستندساز و حرکت در سویه منفی سوژه است. جالب اینجاست که این تکنیک، در پرداخت و به ثمر نشستن ایده کارگردان، کارایی بسیار خوبی داشته است.

قاتلان پرنده‌های مهاجر، خودشان خیلی بهتر از مسئولین، ناخواسته، شکل کارشان، ماهیت وجودیشان در فریدون‌کنار، نحوه توزیع پرنده‌های شکار شده و نهایتاً جنایتشان... را شرح می‌دهند. حالا سری می‌زنیم به آن سوی ماجرا، یعنی مسئولین محیط‌زیست و باقی مسئولان. جایی که می‌توان اذعان کرد تصویربرداری و تدوین، هوشمندانه است. دوربین مستند «آزادی» دقیقاً شبیه خود شکارچی هاست و سرگردان به این سو و آن سوی می‌رود. دوربین، دقیقاً شبیه شکارگری ماهر، قدرت دید بالایی دارد. مسؤل محیط‌زیست شهرستان، در دفتر کارش، جلوی حیوانات تاکسیدرمی شده‌ای نشسته و نهایتاً اگردلش بخواهد، به سوالی پاسخ می‌دهد و اگر نه، کتش را برمی‌دارد و بدون خدا حافظی، گفتگورا

ترک می‌کند. بنابراین انتخاب و تعیین شکل فیلم و تاکید مستندساز بر روی خود قاتلین پرنده‌ها، بسیار کارآمد از آب درآمده و فیلم را سرشار از وضعیت‌هایی دوگانه و قابل تأمل کرده است.

کاراکترهای حاضر در مستند، چه از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی، ترغیب کارگردان برگفتگو، شکل سوالات و خصوصاً ویرایش آنها در تدوین، بسیار جذاب هستند. فیلم در خلق یا در به تصویر کشیدن کاراکترهایش بسیار موفق بوده است. مخصوصاً کاراکترهای شکارچی که با وجود نقض صریح قانون‌های نوشته و نانوشته‌ی محیط‌زیستی، همچنان مصرانه برحق زیاده‌ی خود پافشاری می‌کنند. این تضاد آشکار، فیلم را به اثری تبدیل کرده که دهشت موجود در آن و ریتم و سوژه تکان‌دهنده‌اش، حتی ثانیه‌ای از آن را خسته‌کننده نمی‌کند.

«آزادی» به شدت فیلمی بی‌طرف است. اما نکته تلخ، همراهی و همیاری ناخواسته یا از روی جبر دولتی‌ها، در قبال صیادانی است که با استدلال‌هایی به ظاهر منطقی، سعی در به حق بودن

«آزادی» به شدت
فیلمی بی‌طرف
است. اما نکته تلخ،
همراهی و همیاری
ناخواسته یا از روی
جبر دولتی‌ها، در
قبال صیادانی است
که با استدلال‌هایی
به ظاهر منطقی،
سعی در به حق بودن
اعمالشان دارند.

اعمالشان دارند. فیلم در جزء جزء خود با نگاهی بی طرفانه و فقط با اتکا بر اعتقادات چندش آور قاتلان حیوانات مهاجر، البته نقد صریح خویش را نیز با زبان تصویر ارائه می کند. فیلم بدون حاشیه و جنجال، بدون سیاه نمایی های کلیشه ای، بدون اتکا بر مصاحبه های خسته کننده و بدون توجه به فشارهای بومی و کشوری، با دوری از قضاوتی مستقیم و نخ نما از دوسوی کشمکش، و در مقابل، فقط با تاکید بر قابلیت های تصویر و زبان سینما توانسته ناتوانی دولت و دولتی ها را در کنترل فاجعه ای زیست محیطی نشان دهد.

اما لحظات تاثیرگذار فیلم، کم نیست. نمایش پارادوکس های تعمدی، فیلم را از چارچوبی صرفا انتقادی و تک بعدی خارج کرده و راه را برای دریافت هایی زیبایی شناسانه باز نموده است. پارادوکس از عنوان فامیلی رئیس دامگاهداران - یعنی آقای آزادی - شروع می شود و عنوان خود فیلم نیز ابهامی از همین عنوان، یعنی «آزادی» در معنایی دوگانه از اسارت و رهایی است. در صحنه ای از فیلم، آقای «آزادی» دارد جان

پرنده ای مهاجر را می گیرد، آن را در حالی که هنوز بدنش سرد نشده، می خواهد بپزد و بخورد. کارگردان به دلیل تاکید بر نشان دادن کامل این برداشت، دست به خلق گروتسکی حساب شده زده است. در حالی که تصویر خشونت آمیز است، آقای آزادی درباره نحوه طبخ پرنده و این که خون به جامانده در پرنده، باعث لذیذتر شدنش می شود، می گوید. شکل توصیف او از لذت این خوراک، در کنار حس انزجاری که تولید می کند، دو مفهوم متضاد و متناقض است که در آن واحد در مخاطب ایجاد می شود؛ یا در صحنه ای دیگر، شاهد این هستیم که دام گزاران با قراردادن مرغابیهای اهلی در زیرتورها، باعث ترغیب پرندگان مهاجر به سوی مرداب و دام می شوند. اینها رقبای کاری آقای آزادی هستند و او دل خوشی از آنها ندارد. استدلال آقای آزادی که با عصبانیت کارش را شرح می دهد، در نوع خود شنیدنی است. او در حالی که کنار نور چراغ نفتی اش نشسته، با صدایی بلند و عصبانی درباره این نحوه شکار و به دام انداختن پرندگان مهاجر شکایت می کند:

آقای آزادی: «اون پرنده‌های که زیر دام قرار داره، اون می‌آد پرنده‌های دیگه رو گول می‌زنه. پرنده که با پای خودش داخل دام نمی‌آد!! اما ما پرنده رو گول نمی‌زنیم. اونا گول می‌زنن!! ای تلوزیون!! ای روزنامه!! ای شبکه صداوسیما!! شما که می‌گین، هی مردم فریدونکنار!!»

پارادوکس در حرفهای آقای آزادی، کاملاً مشهود است. وقتی عملی از اساس اشتباه باشد، توجیه آن بی‌شک غیرمنطقی خواهد بود. با این حال همچنان مستندساز اصرار دارد با نشان دادن این سخنان، آن‌هم از سوی کسی که خود را رئیس صنف دام‌گذاران معرفی میکند، قضاوت را به مخاطب واگذار نماید.

یا در صحنه‌ای دیگر، آقای آزادی: «بیایید جلوی این دام را بگیرید. اینا در یک شب ۱۲۰ غاز را می‌گیرن. بیایید این توری رو که در کنار دامگاه می‌گذارن، بیایید جلوی این تور را بگیرید. بیایید زیر بال من رو بگیرید، که من ۳۱۵ هکتار از این تالاب را برقرار می‌کنم.» به عبارتی از آدمی که نظرش این است، «برخی پرنده‌ها هیچ فایده‌ای

برای آینده ندارند» نمی‌توان انتظار دیگری داشت.

فیلم با نشان دادن ناتوانی مسئولین و فقدان اراده‌ای برای جمع‌آوری چند صد شکارچی در دشت‌ها و آبگیرهای فریدونکنار، به پایان می‌رسد. محیط‌بانی که خود فرزند یک صیاد است، رئیس اداره‌ای که نمی‌تواند هیچ نقشی جز ریاست یک اداره داشته باشد، مردمی که با لذت بارها طعم خوراک پرنده‌ای در حال انقراض را چشیده‌اند، همه اینها راه را برای داشتن امیدی اندک بسته است. پرنده‌های شکار شده که توسط مسئولین مربوطه مصادره می‌شود، به زعم خود مردم و صیادان، سرنوشتی قابل پیشبینی دارند. به عبارتی خود مسئولین، پرنده‌های شکار شده را به سفره‌هایشان می‌پزند.

حتی مدیرکل محیط‌زیست بابلسرم هم خیلی شفاف می‌گوید این سوال را اصلاً مطرح نکنید که سرنوشت پرنده‌های شکار شده و مصادره شده، چه می‌شود؟ او می‌گوید: «مثلاً وقتی تریاک مصادره می‌شود کسی می‌پرسد تکلیف آن چه می‌شود؟!!»

جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۲۴:۰۰

برای شرکت در مسابقه پیامکی
کد فیلم «آزادی» D4



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](https://www.festmostanad.ir) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظر سنجی شرکت کنید.